

۱. آواز درختان

دیوید جورج هاسکل^(۱)، زیست‌شناس امریکایی، کتابی با عنوان «آواز درختان»^(۲) نوشته که در سال ۲۰۱۷ منتشر شده است. این کتاب شامل روایت مولف از مجموعه صداهایی است که در خلال چند سال از پیرامون دوازده درخت در دوازده نقطه جهان ضبط کرده است. تعدادی از این درختان اهمیت زیست‌شناختی یا تاریخی داشتند، مثل درختان غول پیکر سکویا در جنگلهای آمازون. برخی هم کاملاً معمولی بودند، مثل درختی گمنام در خیابانی شلوغ در نیویورک. هاسکل در هر بازدید ساعتها در کنار درخت منتخب می‌نشسته تا با دستگاه ضبط صوت دیجیتال صداهای محیط را ضبط کند. از صدای وزش باد در میان شاخه‌ها تا ریزش قطره‌های باران بر برگها و هیاهوی حشره‌ها، پرندگان، جانوران و آدمهای آن حوالی. او در این سفر اکتشافی شاهد تفاوت‌های فراوان میان این مجموعه صداها بود. مثلاً شاهد بود با توجه به اندازه و تراکم برگها ریزش قطره‌های باران پژواکی بسیار متفاوت در فضای پیرامون هر درخت ایجاد می‌کند. افزون بر این، صداها در فصلهای مختلف نیز یکسان نبود. مثلاً آواز نسیم بهاری در شاخه‌های جوان با یورش باد سرد زمستانی در شاخه‌های خشک کاملاً متفاوت بود.

البته خلاقیت مولف در انتخاب این موضوع ستودنی است. اما آنچه این کتاب را ممتاز می‌سازد، نه فقط ابتکار نویسنده در این زمینه، بلکه رویکرد خاص و میان‌رشته‌ای

1) David George Haskell

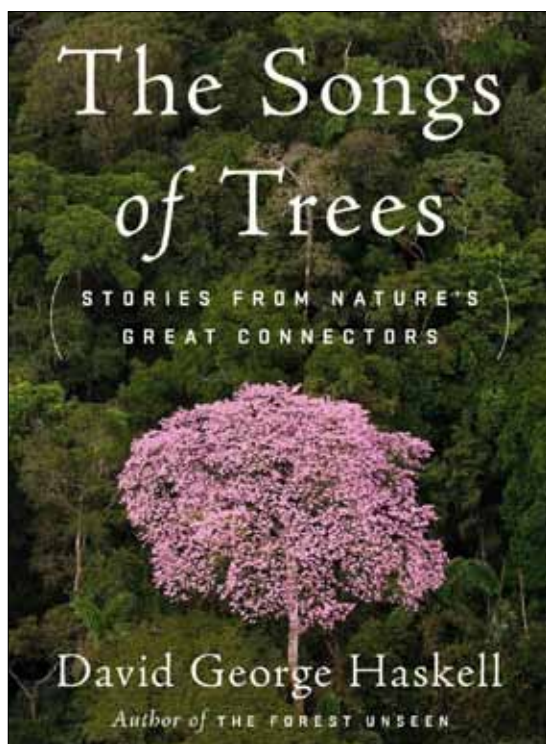
2) The Songs of Trees



• دیوید جورج هاسکل

او در روایت ماجراست. هاسکل در این سفر هم یک محقق زیست‌شناس بوده و هم یک شیفته ادبیات و فلسفه. به همین دلیل متن کتاب به مراتب فراتر از یک گزارش علمی است. نتیجه این تلاش کتابی خواندنی شده که ترکیبی از زیست‌شناسی، ادبیات و فلسفه است. محور تمام بحثها نیز بر بنیاد ارتباط میان موجودات زنده با درختان استوار است. به باور او حیات در کره زمین به وجود درختان وابسته است و بدون حضور آنان جریان زندگی متوقف می‌شود. زیرا درختان کانون پر شور زندگی هستند و به محیط پیرامون خود خرمی، نشاط و طراوت می‌بخشند.

افزون بر این، از منظر ارتباطاتی هاسکل معتقد است هر یک از ما نه تنها بخشی از یک مجموعه ارتباطات با اجزا مختلف هستی هستیم، بلکه وجود ما محصول نوع و دامنه ارتباطات ماست. هر چه این حلقه‌های ارتباطی بیشتر، متنوع‌تر و عمیق‌تر باشد حیات ما از پویایی و سرشاری بیشتری برخوردار خواهد بود. هویت ما نیز در سایه همین ارتباطات تعریف می‌شود. به این معنا که هر گاه بخواهیم خویشتن خویش را بشناسیم، آنگاه خواهیم فهمید که آنچه به عنوان «من» می‌شناسیم چیزی جز مجموعه‌ای از این ارتباطات نیست. پیوندمان با زبان، کشور، شهر، محله، رشته



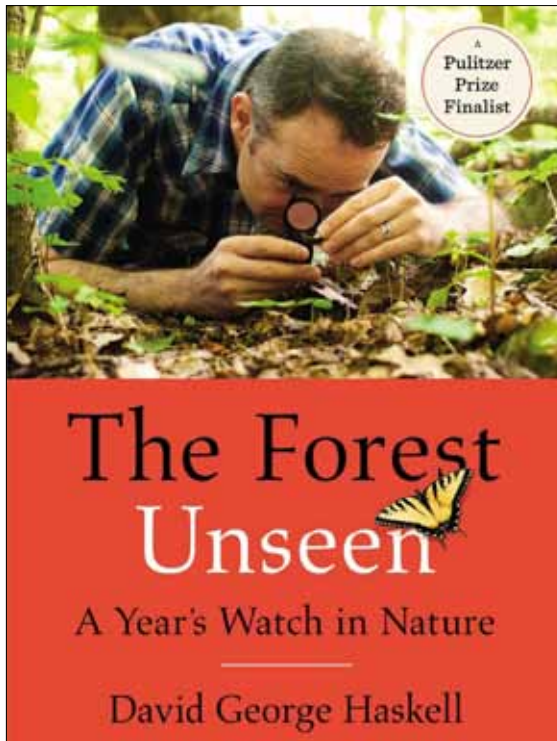
• روی جلد کتاب «آواز درختان»

تحصیلی، شغل و دهها مولفه دیگر است که به ما هویت می‌بخشد و در غیاب این عناصر و مولفه‌ها چیزی باقی نمی‌ماند. در این کتاب هاسکل «درختان» را به عنوان کانون ارتباطات موجودات زنده با هستی انتخاب کرده و به زیبایی نشان می‌دهد که آنان چگونه این نقش یگانه را ایفا می‌کنند. او به تاثیر حضور درخت بر ارتباطات انسانی نیز توجه کرده است. مثلاً متوجه شده در خیابانهایی که درختان بیشتری دارند مردم میل بیشتری به قدم زدن، تماشای اطراف و گفتگو خواهند داشت و ارتباطات انسانی در این خیابانها دوستانه‌تر است. گویی درختان با حضورشان از فضای شهر خشونت‌زدایی می‌کنند. او با ابتکار نوشتن این اثر موفق شده بخشی از آواز هستی را از ساز درختان بشنود و بازتابی از آن را در این متن به تصویر بکشد.

۲. جنگل ناپیدا و نامرئی

دیوید هاسکل کتاب دیگری دارد با عنوان «جنگل ناپیدا: یک سال تماشای طبیعت»^(۱) که همچون «آواز درختان» ابتکاری ارزنده است. این اثر گزارشی از یک سال مشاهدات

1) The Forest Unseen: A Year's Watch in Nature



• روی جلد کتاب «جنگل ناپیدا: یک سال تماشای طبیعت»

۴

روزانه او از جریان زندگی حشره‌ها، قارچ‌ها و گیاهان در یک متر مربع خاک جنگلی در ایالت تنسی^(۱) امریکا است. هاسکل این سطح کوچک را کاملاً تصادفی انتخاب کرده بی‌آنکه هیچ برتری یا امتیاز ویژه‌ای نسبت به بخشهای دیگر جنگل داشته باشد. اما گرچه سطح این میدان مشاهده ناچیز است، اما زمان و عمقی که او برای تماشای جریان زندگی در آنجا در نظر گرفته بسیار وسیع و عمیق بوده است. او در طول یک سال تقریباً هر روز در آنجا حاضر شده و با دقت و حوصله به ثبت و توصیف رفت و آمد مورچه‌ها، پرواز پروانه‌ها، رشد قارچ‌ها، و رویش جوانه‌ها نشسته است. تصویر روی جلد کتاب هاسکل را نشان می‌دهد که با ذربینی در دست روز زمین دراز کشیده و کنجکاوانه رفت و آمد حشره‌ها و رویش گیاهان و قارچ‌ها را رصد می‌کند.

مجموع این مشاهدات در ۴۳ فصل تنظیم شده و هر در فصل او تفسیر خود را از جریان زندگی در آن زمان نوشته است. او این سطح کوچک را همچون جایگاهی برای مراقبه و درک جریان زندگی انتخاب کرده و از استعاره «ماندالا»^(۲) برای تبیین

1) Tennessee

2) Mandala

تجربه خویش استفاده می‌کند. ماندالا در زبان سانسکریت به معنای دایره است و در ادیان هندو و بودایی نمادی برای ارتباط با خویشتن خویش محسوب می‌شود. یکی از محورهای اصلی بحث کتاب «دگرگونی بی‌وقفه‌ای» است که در آنجا جریان دارد. هر روز با دیروز و هر ساعت با ساعتی قبل متفاوت است. دامنه این تغییر در فصلهای مختلف بیشتر می‌شود. در نتیجه هر بار که هاسکل به آنجا باز می‌گردد جهانی تازه در برابر خویش می‌بیند. او راوی چیره‌دست این تغییر دائمی است و تصویری روشن از این فرایند را برای خواننده ترسیم می‌کند. دومین محور کتاب «پیچیدگی» در طبیعت است. نویسنده در مقام یک زیست‌شناس از بسیاری تحولات زیستی در پوشش گیاهی و جانوری منطقه آگاه است و در ثبت مشاهدات خود مرتب به دانش تخصصی خویش نیز ارجاع می‌دهد. با این حال، در توصیف خود به این نکته تاکید می‌کند که به رغم همه کوششی که برای فهم جریان زندگی در این سطح کوچک به کار بسته، فقط به گوشه‌ای ناچیز از پیچیدگی آنچه در آنجا رخ می‌دهد دست یافته و عمق این فرایند فراتر از آن است که بشر بتواند حتی ذره‌ای از آن را به تمامی بفهمد.

یکی از امتیازهای این کتاب همچون اثر دیگر او این است که مولف فقط به قلمرو تخصصی خود بسنده نمی‌کند. بلکه با نگاهی کل‌نگر همه دانش و بینش خویش را از ادبیات، تاریخ و فلسفه به کار می‌گیرد. بنابراین، این متن بیش از آنکه یک اثر زیست‌شناسی باشد یک اثر فلسفی و ادبی است. در هفت سالی که از انتشار این اثر می‌گذرد، تاکنون چند جایزه معروف ملی و جهانی به آن تعلق گرفته است. از آن جمله می‌توان به جایزه بهترین کتاب در حوزه ترویج علم^(۱) سال ۲۰۱۳ و یکی از نامزدهای نهایی دریافت پولیتز در بخش غیرداستان همان سال اشاره کرد^(۲). تا آنجا که می‌دانم این کتاب هنوز به فارسی ترجمه نشده است. اطمینان دارم اگر متن اصلی به دست مترجمی چیره دست برسد اثری بسیار خواندنی برای مخاطبان فارسی زبان خواهد بود.

۳. اندر فوآند پرهیز از خبر

رولف دوبلی^(۳)، نویسنده جوان سوئیسی که با نوشتن کتاب «هنر شفاف اندیشیدن» شهرتی جهانی یافت، بر این باور است که پیگیری اخبار رسانه‌ها برای روح و روان آدمی زیان‌آور است و کسانی که کمتر از اخبار روز جهان آگاهی دارند شادتر از دیگران هستند.

1) National Academies Communication Award

2) Finalist for the Pulitzer Prize in General Nonfiction

3) Rolf Dobelli



• رولف دوبلی

دوبلی تاثیر اخبار بر ذهن را مشابه تاثیر شکر بر جسم می‌داند. همانطور که شیرینی شکر دلبذیر است ولی برای بدن ضرر دارد، شنیدن و خواندن اخبار گوشه و کنار جهان هم سرگرم‌کننده است، اما تاثیر منفی بر ذهن می‌گذارد. زیرا بر خلاف مطالعه کتاب که نیازمند دقت و تأمل است و به تقویت دانش و بینش خواننده کمک می‌کند، پیگیری اخبار فقط غوطه‌ور شدن در انبوه اطلاعات غیرمرتبط است که در نهایت دستاورد مثبتی ندارد. فقط اوقات فراغت انسان را پر می‌کند بی‌آنکه فایده‌ای روشن داشته باشد. اوقاتی که می‌تواند صرف کاری مفیدتر مثل مطالعه، ورزش یا دیدار دوستان شود.

افزون بر این، ذهنی که پیوسته در معرض اخبار قرار دارد نمی‌تواند بر موضوعی مشخص تمرکز کند و به دلیل پریدن از این خبر به خبر دیگر دچار تشویش و آشوب خواهد شد. بویژه آنکه در اغلب موارد اخبار منتشر شده توان بالقوه‌ای برای منحرف کردن ذهن مخاطب از موضوع اصلی دارند و روایتی ناقص و ناتمام از رخدادها عرضه می‌کنند. نکته دیگر در این میان میزان «ربط» اخبار به بهبود زندگی ماست. برای تبیین این موضوع کافیهست به این پرسش پاسخ دهید: «یک فقره از اخباری که در یک سال گذشته شنیده یا خوانده‌اید نام ببرید که برای زندگی شما مفید بوده است؟». مثلاً در گرفتن یک تصمیم مهم به کارتان آمده یا تغییری در نگاه شما به زندگی ایجاد کرده است. اگر پاسخ شما به این پرسش منفی است بنابراین باید در سودمندی پیگیری اخبار تردید کنیم.

با این حال، چرا اغلب ما به تعقیب وقایع روز جهان علاقه‌مندیم؟ اگر به استعاره شکر برگردیم پاسخ این پرسش آسان‌تر خواهد بود. ما به همان دلیل نمی‌توانیم اخبار را رها کنیم که ترک شکر برایمان دشوار است. جستجوی رخدادهای ریز و درشت پاسخی سریع و آسان به حس کنجکاوی ماست. ضمن آنکه همیشه در دسترس است و «مصرف خبر» کار آسان و بی‌زحمتی است. در نتیجه فرو غلطیدن در انبوه خبرهای پراکنده ساده‌ترین امکان موجود برای رفع خستگی کار روزانه است. در نتیجه همه ما به نحوی در معرض آن قرار داریم. من هم بعد از نوشتن این متن احتمالاً به سراغ موبایلم خواهم رفت تا از آخرین اخبار روز مطلع شوم و از قافله عقب نمانم!

۴. راز همزیستی با اژدها

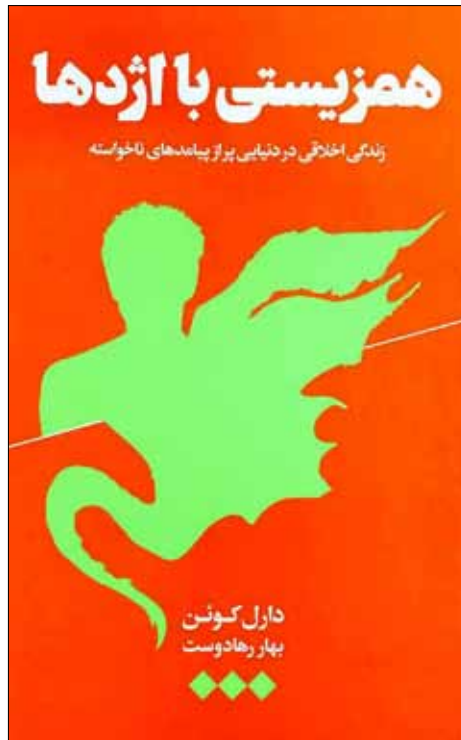
«همزیستی با اژدها»^(۱) عنوان کتابی به قلم دارل کوئن^(۲) است که بهار رها دوست آن را به فارسی ترجمه کرده و در سال ۱۳۹۷ به همت نشر هنوز منتشر شده است. موضوع کتاب چگونگی مواجهه با پیامدهای ناخواسته تصمیم‌هایی است که در زندگی می‌گیریم. پیامدهایی که نه می‌توان آن‌ها را پیش‌بینی کرد و نه در زمان وقوع راهی برای رهایی از آن‌ها وجود دارد. آنچه که به آن «پیامدهای ناخواسته»، «نتایج غیرمنتظره» یا «عواقب پیش‌بینی نشده»^(۳) می‌گویند. درست مثل اژدهایی که ناگهان سر راه آدم سبز می‌شود. مولف توصیه می‌کند نه در فکر کشتن اژدها باشید و نه در صدد گریختن از آن. زیرا هر دو غیر ممکن است. تنها گزینه این است که اژدها را رام کنید تا خسارت به بار نیاورد و زندگی را از آنچه هست دشوارتر نکند.

کوئن بر این باور است که هر پیامد ناخواسته حاصل تعامل پیچیده‌ای بین سه گروه از علل و عوامل است. نخست کنشگرانی که آزادانه تصمیمی گرفته‌اند. دوم افرادی که به نحوی از این تصمیم تاثیر می‌پذیرند. سوم متغیرهای محیطی که در این بافت نقش دارند. مثلاً زمانی که شغل جدیدی انتخاب می‌کنیم بسته به شرایطی که در آن قرار داریم تا حدودی در این انتخاب آزادیم. اما این تصمیم بر زندگی اعضا خانواده و نزدیکان ما تاثیر می‌گذارد. مثلاً ممکن است به دلیل این شغل ناچار به مهاجرت به شهر یا کشور دیگری باشیم و این سفر سرنوشت خانواده را تغییر می‌دهد. کوئن برای مواجهه با پیامدهای ناخواسته توصیه‌هایی عملی هم دارد. مثلاً مخاطب را به آهستگی و درنگ فرا می‌خواند و سفارش می‌کند از یک سو با محیط زیست و از

(۱) کوئن، دارل. (۱۳۹۷). همزیستی با اژدها: زندگی اخلاقی در دنیایی پر از پیامدهای ناخواسته. ترجمه بهار رها دوست. تهران: نشر هنوز.

2) Daryl Koehn

3) Unintended Consequences/Unanticipated Results/Unforeseen Outcomes



سوی دیگر با خویشتن خویش آشتی کنیم و مسئولیت اعمال خود را بپذیریم. همچنین در سطح کلان از تمرکززدایی در تصمیم‌گیری پرهیزیم و از دانش گروه‌های به حاشیه رانده شده سود ببریم. در ادامه نیز یادآور می‌شود از اشتباهات خود بیاموزیم و در به کارگیری نظریه‌ها هوشمندانه عمل کنیم. ضمن آنکه مراقب سوگیری‌های عوامانه باشیم و بکوشیم تعصب‌های خود را بشناسیم و از آن‌ها پرهیز کنیم. در پایان نیز به این نتیجه می‌رسد که «برای پرهیز از پیامدهای ناخواسته، هیچ راه حل منحصر به فردی و کلیدی که همهٔ قفل‌ها را باز کند وجود ندارد». (ص. ۱۳۰) اما مجموع راهکارهای این کتاب مقوله‌هایی هستند که می‌توانند محورهای خوبی برای گفتگو در این زمینه باشند.

۵. فلسفه و اخلاق اطلاعات

پروفسور لوچیانو فلورییدی^(۱) استاد «فلسفه اطلاعات» و «اخلاق اطلاعات»^(۲) دانشگاه آکسفورد است که آثار متعددی در این دو زمینه دارد. منظور از فلسفه

1) Luciano Floridi

2) Philosophy and Ethics of Information



• پروفیسور لوجیانو فلوریڈی

اطلاعات تمام تأملات فلسفی درباره ذات و سرشت «اطلاعات» است. پرسشهایی که ماهیتی هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی^(۱) دارند. پرسشهایی نظیر اینکه اساساً اطلاعات چیست و چه تفاوتی با مفاهیم مرتبط مثل داده، دانش یا خرد دارد؟ اطلاعات چگونه خلق میشود و چه سهمی در دانایی بشر ایفا می‌کند؟ ارزش و اعتبار هر فقره اطلاعاتی به چه عواملی وابسته است؟ اگر اطلاعات کالایی پرطرفدار است، ارزش و بهای نهایی آن را چگونه می‌سنجیم؟ آیا اطلاعات مثل کالاهای دیگر قابل خرید و فروش است یا تجارت اطلاعات باید تابع قواعد و مقررات دیگری باشد؟

اخلاق اطلاعات دومین حوزه مطالعاتی فلوریڈی است. اخلاق اطلاعات یکی از شاخه‌های علم اخلاق است که به فرایند تولید، توزیع، دسترسی و استفاده از اطلاعات از منظر اخلاقی می‌نگرد. پرسشهایی نظیر تعریف حریم خصوصی در دنیای مجازی،^(۲) حق دسترسی عمومی به اطلاعات، «آزادی اطلاعات» و مباحث وابسته به آن از جمله محورهای این حوزه است. محققان این حوزه با پرسش‌هایی بنیادین

1) Ontological and Epistemological

2) Privacy in the Virtual World



• دکتر یزدان منصوریان

مواجه‌اند که اغلب تا امروز بی‌پاسخ مانده‌اند. مثلاً حق دسترسی به اطلاعات باید تابع چه ملاحظاتی باشد؟ چگونه باید از حق مولف و حقوق مادی و معنوی یک اثر در دنیای دیجیتال محافظت کنیم؟ آیا مدیران شبکه‌های اجتماعی مجازند اطلاعات خصوصی افراد را در اختیار دولت‌ها قرار دهند؟ و بسیاری پرسش‌های دیگر. با فراگیر شدن دسترسی عمومی به ابزارهای دیجیتال و اهمیت روزافزون دسترسی به اطلاعات در دنیای معاصر اخلاق اطلاعات جایگاهی در خور توجه یافته است و انتظار می‌رود با بلوغ جوامع اطلاعاتی تکلیف بسیاری از این مسائل روشن شود.

فلوریدی معتقد است آنچه باعث بلوغ جوامع اطلاعاتی می‌شود، فقط وابسته به رشد فناوری و ابزارهای پیشرفته نیست. این‌ها فقط ابزار هستند و به تنهایی اثری ندارد. آنچه اهمیت دارد نوع مواجهه ما با این ابزار و میزان توانمندی شهروندان در استفاده از آنهاست. مفهومی که در کتابداری و اطلاع‌رسانی (علم اطلاعات و دانش‌شناسی) با عنوان «سواد اطلاعاتی» می‌شناسیم. مجموعه‌ای از مهارت‌ها که انسان را قادر می‌سازد نیازهای اطلاعاتی خود را بشناسد و با جستجوی بهینه در منابع اطلاعاتی موجود به بهترین شکل به آن‌ها پاسخ دهد و در نهایت بتواند دانش جدید را به شکلی موثر به کار گیرد. دانشی که در خدمت حل مسائل دنیای امروز و بهروزی انسان سرگردان و نگران معاصر باشد.